

## بررسی رابطه ایران و آمریکا از آغاز تا سال 1325

### ( بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا )

صادق زیبا کلام<sup>۱</sup> - داود افشاری<sup>۲</sup> - حسین اصبعی<sup>۳</sup> - علی سلیمانی<sup>۴</sup>

#### چکیده

در تاریخ معاصر ایران، رابطه ایران و ایالات متحده آمریکا از اهمیت به سزایی برخوردار بوده است. در این مورد، نویسندگان مقاله، به شناسایی عوامل نقش آفرین در روابط بین دو کشور پرداخته و آنرا از منظر «نظریه پیوستگی» جیمز روزنا، مورد بررسی قرار داده اند. بنابراین سوال مطرح شده در این مقاله این است که چه عوامل و متغیرهایی باعث آغاز و همچنین گسترش روابط، بین ایران و ایالات متحده آمریکا از آغاز تا سال 1325 گردید. تلاش شده است که در قالب نظریه پیوستگی جیمز روزنا به این سوال این چنین پاسخ داده شود که آغاز رابطه می بایست با متغیرهای داخلی (فرد، نقش، دیوانسالاری، جامعه) و گسترش روابط، علاوه بر متغیر فوق، با استفاده از متغیر خارجی (نظام بین الملل و منافع فزاینده آمریکا در ایران) مورد بررسی قرار گیرد. با بررسی دقیق روابط دو کشور به خوبی می توان منافع روز افزون آمریکا در ایران را مورد شناسایی قرار داد.

---

1 استاد و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران zibakalam1@yahoo.com

2 کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران davod.afshary2014@gmail.com

3 کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران asbaghi1@yahoo.com

4 دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی مرکز پیام نور تهران ali.soleimani.8811@gmail.com

**واژگان کلیدی:** روابط ایران و آمریکا، نظریه پیوستگی جیمز روزنا، منافع فزاینده آمریکا در ایران، جهت‌گیری قدرت سوم.

## مقدمه

در مطالعات اخیر صورت گرفته در مورد رابطه بین ایران و آمریکا، از آغاز تا خروج نیروهای شوروی از ایران در سال 1325، کتب و مقالات بسیاری موجود می‌باشد. با این وجود، این مطالب صرفاً به بازگویی تاریخی این موضوع پرداخته‌اند. اما موضوعی که کمتر به آن پرداخته شده است تحلیل روابط بین دو کشور از منظر یک دیدگاه نظری است. پژوهشگر در پی شناخت بیشتر موضوع، عوامل نقش‌آفرین در این رابطه را، اینچنین تقسیم‌بندی نموده است:

**الف: متغیرهای داخلی:** 1- جهت‌گیری قدرت سوم<sup>1</sup> در بین مقامات ایرانی، متاثر از فشار روز افزون روس و انگلیس 2- تاثیر قوه مجریه و مقننه و همراهی این دو در گرایش رابطه با آمریکا به علت اقتصاد نابسامان کشور 3- نگرش مثبت مردم به آمریکا به دلیل عدم سابقه استعماری این کشور

**ب: متغیرهای خارجی:** 1- منافع ملی آمریکا «ژئوپولوتیک- نفت» 2- رقابت این کشور با انگلیس و شوروی 3- استقلال در سیاست خارجی

در واقع این شاخص‌ها با متغیرهایی که جیمز روزنا ارائه کرده است هماهنگی دارد. این متغیرها شامل متغیرهای داخلی (فرد، نقش، دیوانسالاری و جامعه)، و متغیر خارجی (نظام بین‌المللی) است. با گسترش روابط مشاهده می‌شود که عوامل نقش‌آفرین در روابط دو کشور، از متغیرهای داخلی به خارجی تمایل پیدا می‌کند. با توجه به سیر تاریخی روابط دو کشور، در این چارچوب، به خوبی می‌توان دریافت که منافع رو به رشد آمریکا در ایران، از مهمترین عوامل گسترش روابط و علاقه‌مندی آمریکاییها به ایران بوده است.

---

<sup>1</sup> باید متذکر شد که اصطلاح قدرت سوم با نیروی سومی که خلیل ملکی مطرح کرده و به معنای نوعی موازنه منفی و عدم تعهد در مقابل جهان دو قطبی می‌باشد متفاوت است.

## چارچوب نظری پیوستگی جیمز روزنا

به نظر جیمز روزنا در تصمیم‌گیری سیاست خارجی، علت رفتار سیاسی حکومت‌ها به مجموعه‌ای از این عوامل پنج‌گانه مربوط می‌شود: ۱ - متغیر شخصیت تصمیم‌گیرنده؛ فرد ۲ - نقش و میزان اختیارات تصمیم‌گیرنده؛ ۳ - متغیر دیوان‌سالاری حکومتی؛ ۴ - متغیر جامعه؛ ۵ - متغیر نظام بین‌الملل (سیف زاده، 1375: 186-197).

**1) فرد:** فرد، همان شاه یا رهبر است که جمع‌های کلان را رهبری می‌کند و در تصمیم‌گیریهای خارجی نقش اول را دارد (روزنا، 1384: 170-172).

**2) نقش:** سیاست جهانی، سیاست ملی، سیاست دیوانی و سیاست محلی، تنها تا آنجا از هم جدا هستند که دست اندکارانشان بتوانند مرزبندی میان نقش‌هایی را که در نظام‌های گوناگون دارند، حفظ کنند و بر اساس همین جدایی نقش‌ها، به ایفای هر یک بپردازند. (روزنا، همان: 295).

**3) دیوانسالاری حکومتی:** تاثیر قوای سه‌گانه در تصمیم‌گیری‌های خارجی سومین متغیر نظریه پیوستگی جیمز روزنا است. در این مورد، به خصوص باید بر تاثیر رابطه قوه مجریه و قوه مقننه اشاره داشت.

**4) جامعه:** تفکرات، جهت‌گیریها و ارزشهای برجسته در بین مردم یک جامعه، به صورت نیرویی پنهان، بر تصمیم‌گیری‌ها در سیاست خارجی یک کشور تاثیر می‌گذارد.

**5) نظام بین‌الملل:** به هر حادثه و یا کنش در محیط خارجی اشاره دارد که گزینه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را، محدود و آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

## معرفی عوامل نقش آفرین در ایجاد روابط میان ایران و آمریکا

**1) عوامل داخلی:** روند طولانی دخالت روسیه و انگلیس در امور ایران، نخبگان سیاسی، روشنفکران و حتی مردم را متوجه قدرت‌های دیگری ساخت. این نیرو در اصطلاح علم روابط بین‌الملل به «قدرت سوم» موسوم است. از طرفی اوضاع خراب اقتصادی ناشی از مداخلات روس و انگلیس در سیاست‌های داخلی کشور، بر گرایش مقامات ایرانی به این نیرو بسیار تاثیر داشت. (نائیان، 1373: 297).

**2) عوامل خارجی:** از سویی ایالات متحده به تدریج با افزایش توان سیاسی، اقتصادی، سیاست مداخله در امور کشورهای دیگر را، پی گرفت. این کشور دایره نفوذ و ملاحظات خود را گسترش داده به نحوی که اندکی بیش از یک قرن از اعلام آموزه مونروئه<sup>1</sup>، با ورود آمریکا به جنگ جهانی اول و دوم، عملاً و رسماً اصل انزواگرایی را به کار نهاد. (شوپ، 1364:67). پس با کشف نفت و آشکار شدن موقعیت ژئوپولیتیکی ایران برای مقامات آمریکایی، ایران کانون منازعات و رقابت این کشور با انگلیس و شوروی شد (مهدوی، 1368:36-37).

با توجه به مطالبی که ذکر آن رفت و در پیوند این عوامل با متغیرهای جیمز روزنا، باید متغیرهای دخیل در رابطه ایران و آمریکا را، به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم نمود. در تقسیم بندی عوامل داخلی می توان به؛ 1- متغیر تصمیم گیری های فردی: شکل گیری نوعی جهت گیری قدرت سوم در بین مقامات ایرانی، متاثر از فشار روز افزون روس و انگلیس (اقدامات ناصرالدین شاه، امیر کبیر، قوام، رضا شاه و محمد رضا شاه و...)، 2- متغیر دیوانسالاری حکومتی: تاثیر قوه مجریه و مقننه و همراهی این دو، در گرایش رابطه با آمریکا به علت اقتصاد نا بسامان کشور. 3- متغیر جامعه: نگرش مثبت مردم به آمریکا، به دلیل عدم سابقه استعماری این کشور، اشاره داشت و عوامل خارجی را نیز به: 1- منافع آمریکا «ژئوپولوتیک- نفت» 2- رقابت این کشور با انگلیس و شوروی 3- استقلال در سیاست خارجی و به طور کلی منافع فزاینده این کشور در ایران، تقسیم نمود. در واقع رد پای این عوامل، در تمامی وقایع مربوط به روابط دو کشور به نحو بارزی حضور دارد. در ادامه مطالب با اشاره به روند تاریخی رابطه ایران و آمریکا به بررسی این متغیرها خواهیم پرداخت.

### 1- از آغاز تا جنبش مشروطه خواهی:

منابع تاریخی از میرزا تقی خان امیرکبیر به عنوان نخستین دولتمردی که در برقراری روابط میان ایران و ایالات متحده تلاشهایی را آغاز کرد، یاد کرده اند (آدمیت، 1350:89). امیرکبیر در سیاست خارجی به منظور از بین بردن روابط انحصاری ایران با روس و انگلیس، درصد برآمد که با «نیروی ثالثی» ارتباط برقرار کند. (بینا، 133:1371/2). بنابراین در زمان امیرکبیر (سال 1266ق/1850م) عهدنامه ای ناظر بر ایجاد روابط بازرگانی و کنسولی بین دو کشور منعقد گردید (تاثیر متغیر یک و سه داخلی).

<sup>1</sup> - در حقیقت ایالات متحده با اعلام این نظریه اعلام می کرد که به سایر نقاط جهان کاری ندارد و قدرت های اروپایی می توانند تمام کشورهای جهان را حوزه نفوذ و سلطه خود قلمداد کنند.

### بررسی رابطه ایران و آمریکا از آغاز تا... / 37

در زمان ناصرالدین شاه، میرزا حسین خان سپهسالار در سفری که به روسیه داشت از وزیر مختار آمریکا خواست که تا در مورد بازگشایی سفارت آمریکا در تهران تلاش کند (یسلسون، 1383: 60). در راستای این سیاست در سال 1883 م/ 1300 ق در دوره ریاست جمهوری «چسترالن آرتور» سفارتخانه آمریکا در ایران تأسیس و «ساموئل بنجامین» نخستین وزیر مختار آمریکا، برای انجام ماموریت سیاسی راهی ایران شد (بنجامین، 1369: 2). از سوی دیگر، پس از مدتی در سال 1888 م/ 1305 ق سفارت ایران نیز در آمریکا تأسیس شد. (موجانی، 1384: 15).

### 2- موضع آمریکا در قبال جنبش مشروطه خواهی ایران:

در آن زمان، دستور دولت وقت آمریکا به ریاست «تئودور روزولت» نیز، این بود که آمریکا مطلقاً مسائل داخلی ایران و کشمکش بین دولت و مشروطه خواهان مداخله نکند (تأثیر متغیر سوم خارجی) (موجانی، 1384: 27). ماموریت «ویلیام مورگان شوستر» نخستین مستشار آمریکایی در ایران در سال 1329 ق/ 1911 م از مهمترین وقایع تاریخی روابط ایران و آمریکا به شمار می آید. در مجلس دوم مذاکره پیرامون استخدام مستشاران خارجی از اتباع دولتهای بی طرف مطرح شد، (روزنامه مذاکرات مجلس دوره دوم تقنینیه، قسمت دوم: 1328: 863-862) و آمریکا که در آن زمان کشوری صلح طلب و بشردوست شناخته شده بود، مورد توجه رجال سیاسی ایران قرار گرفت. (تأثیر متغیر دو داخلی) (نانز، 1378: 27)

### 3- روابط دو کشور از جنگ جهانی اول تا شهریور 1320

در سوم اوت 1914 م/ 1322 ق جنگ جهانی اول آغاز شد. از آنجا که ایران در نتیجه جنگ دچار خسارات و صدمات فراوانی شده بود، به محض اینکه کنفرانس صلح در ژانویه 1919 م/ 1337 ق در ورسای تشکیل شد، تصمیم گرفت نمایندگانی به ریاست مشاور الملک انصاری وزیر امور خارجه، اعزام و خواسته های خود را به اطلاع دول فاتح برساند. بدنبال درخواست کمک ایران از آمریکا، وزیر مختار این کشور در تهران در تاریخ 15 نوامبر 1918 م/ 1336 ق طی گزارش به وزارت امور خارجه آمریکا متذکر گردید که «اکنون امید ایران به ایالات متحده آمریکاست. پس لانسینگ وزیر امور خارجه آمریکا، طی نامه ای علاقمندی کامل و توجه مخصوص دولت

آمریکا را مبنی بر شرکت نمایندگان ایران در کنفرانس صلح به دولت ایران ابلاغ نمود» (ذوقی، 1368:224). در خصوص قرار داد 1919 باید گفت «جان کالدول» وزیرمختار آمریکا در تهران با انتشار اعلامیه‌ای «پرچم مخالفت با این قرارداد را برافراشت» (شیخ الاسلامی، 1368) در 19 سپتامبر 1919، به امضای «لانسینگ» وزیر امور خارجه آمریکا، در تهران اعلامیه ای بر ضد انگلستان منتشر شد (مهدوی، 1384:361). این اعلامیه توسط اللهیار صالح، مترجم سفارت آمریکا، پخش و منتشر گردید (صالح، 1381:81). اما ملک‌الشعراى بهار درباره اقدامات آمریکا می‌نویسد: «من خودم از وزیرمختار آمریکا در یکی از ملاقاتها شنیدم که می‌گفت قرارداد را به هم بزنید و دولت انگلیس را جواب بگویید آن وقت به دولت آمریکا مراجعه بکنید (تاثیر متغیر یک و دو خارجی) (بهار، 1357:39-1). به گفته ابراهام یسلسون: «زمانی که آمریکا به قرارداد ایران و انگلستان حمله نمود راه نفوذ را برای ورود به ایران باز کرد» (یسلسون، 1383:263).

ژنرال مارشال، فرمانده ارتش بریتانیا در منطقه می‌نویسد: «در ماه اکتبر سپتامبر یک گروه آمریکایی که خود را «انجمن مبارزه با قحطی در ایران» می‌نامید وارد بغداد شد و من دستوراتی برای کمک به این گروه دریافت داشتم؛ مطمئن بودم که هدف این گروه «نفت» بود و نه مبارزه با قحطی...» (تاثیر متغیر یک خارجی) (میروشنکف، 1345:102).

#### 4- جنگ جهانی دوم: حضور فعالانه آمریکا در صحنه سیاسی ایران:

پس از آنکه هیتلر در آذرماه 1320 ش به آمریکا اعلان جنگ داد، و نیروهای آمریکایی رسماً به متفقین پیوستند، «روزولت رئیس جمهور آمریکا پیشنهاد کرد تا به طور کلی آمریکاییها عهده دار کلیه امور حمل و نقل مواد و مهمات به روسیه در ایران گردند» (تاثیر متغیر یک خارجی) (ذوقی، 1368:158).

باید گفت وزارت خارجه آمریکا مصمم بود تا از اعزام مستشاران نظامی به ایران استفاده کرده و منافع و علائق خود را در مسائل ایران بطور مثبت و قاطعی مورد تایید و تعقیب قرار دهد «بطوری که در دسامبر 1942/ آذر 1321 سی هزار سرباز به ایران گسیل داده شد» (فوران، 1377:404). جرگان کارشناس امور خاور نزدیک در وزارت خارجه آمریکا، با آغاز سال 1943 در گزارشی که برای وزیر امور خارجه آمریکا تهیه کرده است می‌نویسد: «سیاست مداخله‌جویانه انگلیس و روس در ایران مردم را نسبت به هر دو دولت بدبین ساخته است و آمریکا باید این خلاء را با تعقیب سیاستی در جهت جلب دوستی و اعتماد ایرانیان پر کند» (تاثیر متغیر یک و دو

### بررسی رابطه ایران و آمریکا از آغاز تا... / 39

خارجی) (نانز، 1378: 152). از این رو، دولت آمریکا قبل از پایان جنگ جهانی دوم شروع به گسترش منافع خود در ایران نمود. در آذرماه 1322 / نوامبر 1943 که کنفرانس سران سه کشور آمریکا، شوروی و انگلیس در ایران برگزار شد روزولت حمایت بی‌دریغی از ایران کرد (برژنکف، 1357Y188-190).

### 5- سیاست آمریکا در قبال ایران در سال‌های اولیه جنگ سرد:

با ورود هیأت «سرگئی کافتارادزه» به تهران در شهریور 1323 / سپتامبر 1944 موضوع نفت ایران، وارد مرحله جدیدی شد. «شوروی‌ها بر این باور بودند که شمال ایران حریم یا منطقه نفوذ آنهاست و امتیاز نفت این منطقه به آنها تعلق دارد» (تاثیر دو خارجی) (روبین، 1363Y31). در چنین اوضاع و احوالی، دکتر مصدق طرح منع واگذاری امتیاز نفت ایران به بیگانگان، به هر عنوان را در جلسه 11 آذر 1323 / 2 دسامبر 1944 تسلیم مجلس کرد و آن را در همان مجلس به تصویب رساند (ساتن، 1372Y132).

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، در سال 1323 ش / 1945 م نیروهای آمریکایی در مهلت شش ماهه‌ای که بر اساس تصمیمات کنفرانس سران متفقین در تهران برای تخلیه ایران از نیروهای خارجی پیش‌بینی شده بود، ایران را تخلیه کردند، ولی دولت شوروی به بهانه‌های مختلف، از بیرون بردن نیروهای خود از ایران خودداری نمودند. در 6 مارس 1946 / 16 اسفند 1324 دولت آمریکا اعلام کرد که سفیر آن کشور در مسکو طی یادداشتی از دولت شوروی دعوت کرده است که نیروهای خود را هر چه زودتر از ایران فرا بخواند (فونتن، 1366: 361-1).

با طرح دعوا در سازمان ملل و نیز حمایت محکم آمریکا از ایران، در واداشتن شوروی به حصول نوعی توافق با ایران نقش تعیین‌کننده ایفا کرد. با موافقت طرفین، در 15 فروردین 1946/1325 موافقتنامه قوام و ساد چیکوف به امضاء رسید (فونتن، 1364Y361/1). به گفته ترومن: «در سال 1946 من مجبور شدم اولتیماتومی به نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی فرستاده از او تقاضا کنم که مقررات پیمان سه‌گانه را رعایت نماید» (روحانی، 1381: 45). سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این همه حمایت و پشتیبانی آمریکا از ایران برای چه بود؟ به نظر می‌رسد که این سیاست حمایتی آمریکا در قبال ایران را باید بر اساس علائق رو به رشد ایالات متحده در منطقه و روابط رقابت‌آمیز و گاهی خصمانه آن با شوروی و حتی انگلیس مورد بررسی قرار داد.

## نتیجه گیری

این مقاله با بهره گرفتن از چارچوب نظری جیمز روزنا به شناسایی عوامل موثر در روابط دو کشور پرداخت و متغیرهای دخیل در این رابطه را، به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم کرد. چنانچه ذکر گردید، شروع روابط بین دو کشور را می‌بایست، با متغیرهای داخلی، و توسعه روابط را علاوه بر متغیرهای داخلی، با متغیر خارجی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. با توجه به سیر تاریخی روابط دو کشور در این چارچوب، به خوبی می‌توان دریافت که منافع رو به رشد آمریکا در ایران، از مهمترین عوامل گسترش روابط و علاقه مندی آمریکاییها به ایران بوده است. زیرا با گسترش روابط مشاهده می‌شود که عوامل نقش آفرین در روابط دو کشور، از متغیرهای داخلی به خارجی تمایل پیدا می‌کند.

## منابع

- آدمیت، فریدون (1362)، «امیرکبیر و ایران، تهران»، انتشارات خوارزمی، ص 573.
- آبراهامیان، پرواندا، ایران بین دو انقلاب، مترجم: احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، (تهران، نشر نی، 1383)، ص 178
- بهار، ملک الشعرا (1357)، «تاریخ احزاب سیاسی»، جلد 1، تهران، انتشارات کتابهای جیبی.
- بیل، جیمز (1371)، «عقاب و شیر»، مترجم: مهوش غلامی، تهران، انتشارات شهرآب.
- بینا، علی اکبر (1371)، «تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران»، ج 2، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بنجامین، ساموئل (1369)، «سفرنامه بنجامین»، مترجم: حسین کردبچه، تهران، انتشارات علمی.
- روزنا، جیمز (1384)، «آشوب در سیاست جهان، نظریه ای درباره دگرگونی و پیوستگی»، مترجم: علیرضا طیب، تهران، انتشارات روزنه.
- روبین، باری (1363)، «جنگ قدرت ها در ایران»، مترجم: محمود مشرقی، تهران، انتشارات آشتیان.
- روحانی، فواد (1381)، «زندگی سیاسی مصدق»، تهران، انتشارات زوار ص 45.
- «روزنامه ی مذاکرات مجلس دوره دوم تقنینیه (1328)»، قسمت دوم: 863-862.



## بررسی رابطه ایران و آمریکا از آغاز تا... / 41

سیف زاده، سید حسین (1375)، «مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی»، تهران، وزارت خارجه.

شوپ. لورنس. اچ و ویلیام میتتر (1364)، «تراست مغزهای امپراطوری»، مترجم: منصور آسیم، تهران، انتشارات اطلاعات.

شیخ الاسلامی، جواد (1368)، «اسناد محرمانه وزارت امور خارجه بریتانیا درباره قرارداد 1919 ایران و انگلیس»، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار.

علم، مصطفی، نفت، قدرت و اصول؛ پیامد‌های کودتای 28 مرداد، مترجم: غلامحسین صالحیار، (تهران انتشارات چاپ‌بخش، 1377)، ص 84

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (1386)، «سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی»، تهران، نشر پیکان.

میروشنکف ل. ی (1345)، «ایران در جنگ جهانی اول»، مترجم: دخانیاتی، تهران، نشر فرزانه.

موجانی، علی رضا (1384)، «بررسی مناسبات ایران و آمریکا 1925-1851»، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (1375)، «تاریخ روابط خارجی ایران»، تهران، انتشارات امیر کبیر.

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (1368)، «روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی»، تهران، نشر مولف.

گروه جامی (1381)، «گذشته چراغ راه آینده، ویراستار بیژن نیک‌بین»، چاپ سوم، تهران، انتشارات نیلوفر.

ساتن، ال (1372)، «نفت ایران»، مترجم: رضا رئیس طوسی، تهران، نشر صابرین.

فونتن، اندره (1366)، «تاریخ جنگ سرد، 2 جلد، مترجم: هوشنگ مهدوی، تهران، نشر نو.

فاوست، لویز (1374)، «ایران و جنگ سرد، بحران اذربایجان، مترجم: کاکوه بیات (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ص 195).

سیلسون، آبراهام (1383)، «تاریخ روابط سیاسی ایران و آمریکا»، مترجم: محمد باقر آرام، (تهران، نشر البرز).

نانز، آلن، الکساندر یوناهاو (1378)، «تاریخ مستند روابط دوجانبه ایران و ایالات متحده آمریکا»، مترجم: سعیده لطفیان و علی صادقی، تهران، نشر قومس.

ذوقی، ایرج، روابط سیاسی ایران و قدرت های بزرگ 1900-1925، (تهران، نشر پاژنگ، 1368)،

صالح، اللهیار، به روایت اسناد، (تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1381)،

کگلی، چارلز و اوجین ویتکف، الگو و روند در سیاست خارجی امریکا، مترجم: اصغر دستمال

چی (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1382)،

نائیبان، جلیل، روابط ایران با دول خارجی در دوران قاجاریه، (تهران، فردابه 1373)،